

گذر از طبیعت به فرهنگ

گذر معرفت شناختی

آروین مهرگان

www.ketab.ir



نشر مهرآوا

زمستان ۱۴۰۰

مهرگان، آروین، ۱۳۲۸

گذر از طبیعت به فرهنگ: گذر معرفت‌شناختی / آروین مهرگان - تهران: مهرآوا، ۱۴۰۰

۱۳۳ ص.: نمودار

ISBN: 978-622-99357-2-9

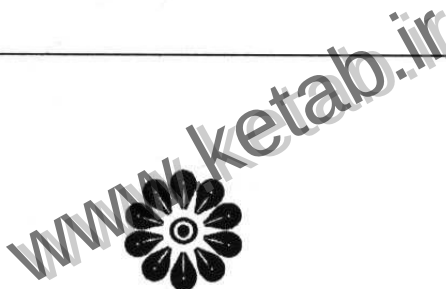
فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیپا

چاپ اول ۱۴۰۰

نشانه‌شناسی - Semiotics - نشانه‌شناسی و ادبیات - Semiotics and literature

سمبولیسم - Symbolism - شناخت (فلسفه) - Knowledge, Theory of

رده‌بندی کنگره P99 - رده‌بندی دیویی: ۳۰۲/۲ شماره کتابشناسی ملی: ۸۵۵۷۳۰۱



نشر مهرآوا

تهران، خیابان موحدی دانش، خیابان عزت‌الله انتظامی، خیابان دستان، کوچه کامران،

بن‌بست آذین، پلاک دو، واحد اول شرقی، تلفن ۰۹۱۲۵۸۴۲۱۹۸ - ۲۲۸۰۰۴۶۰

گذر از طبیعت به فرهنگ: گذر معرفت‌شناختی

آروین مهرگان

چاپ اول: ۱۴۰۰ تهران / تیراژ: ۱۰۰ نسخه / چاپ: پردیس دانش

صفحه‌آرا: راه‌شهاب / طراحی جلد: عباس بخشی / قیمت: ۵۰۰۰۰ تومان

ISBN: 978-622-99357-2-9

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۹۳۵۷-۲-۹

فهرست مطالب

۷	پیشگفتار
۱۷	بخش نخست: پیش درآمدی تاریخی
۱۹	سرچشمه‌های بحث: ویکو
۲۳	ویکو، فرهنگ و مراحل تکامل ذهن
۲۶	مقولات خرد شعری
۳۶	نقد ویکو
۴۰	صورت‌بندی جدید
۴۰	لوی استروس
۴۴	طبیعت و فرهنگ (گفتگو)
۵۴	کاسیرر
۵۶	دو نوع سمبلیسم
۵۸	ایده‌آلیسم معنایی کاسیرر
۶۴	نقد دیدگاه زبان‌محوری
۷۲	نقد ایده‌آلیسم معنایی کاسیرر

۷۶.....	دست آوردهای نو
۸۱.....	بخش دوم: گذر از طبیعت به فرهنگ
۸۳.....	اندیشه رویائی
۸۶.....	زبان تصویری رویا
۸۷.....	زبان نمادین رویا
۸۹.....	ساخت نحوی رویا
۹۴.....	اندیشه جادوئی
۹۷.....	اندیشه آئینی
۱۰۲.....	ساخت نحوی زبان طبیعی
۱۰۲.....	۱- تحلیل مفردات
۱۰۴.....	۲- تحلیل ساختار نحوی
۱۰۹.....	بخش سوم: گذر از زبان طبیعی به زبان مفهومی
۱۱۱.....	فرآیند گذار
۱۱۷.....	گذر از نماد به نشانه
۱۱۷.....	۱- استعاره‌های مرده
۱۱۹.....	۲- از نمادهای جنسی تا نشانه‌های کاربردی
۱۲۱.....	۳- کارکرد نمادین نشانه
۱۲۵.....	منابع انگلیسی و آلمانی
۱۲۸.....	منابع فارسی

پیشگفتار

موضوع گذر از طبیعت به فرهنگ به رغم ریشه‌های کهن آن موضوع جدیدی در علوم انسانی است که هنوز به لحاظ آکادمیک جایگاه شایسته خود را نیافته و به صورت یک رشته مستقل در هیچ دانشگاهی در جهان تدریس نمی‌شود اما در اصل موضوعی مهم و محوری است که ریشه بسیاری از معضلات و معماها و پرسش‌های فرهنگی عمیق و ریشه‌دار را می‌توان در آن یافت. امروزه این باور که انسان حیوانی طبیعی است که در مسیر تکامل خود از گذرگاه‌های بسیار پریپیچ و خمی عبور کرده تا سرانجام با فاصله‌گیری نسبی از طبیعت خود را به انسان فرهنگی تبدیل کرده است به برکت نظریه تکاملی داروین امری محرز و اثبات شده است.

تعاریف متعددی از فرهنگ ارائه شده که عموماً چالش برانگیزانند. شاید بتوان این تعریف هگل را به عنوان یک تعریف استاندارد پذیرفت هر چند بسیار کلی است و در آن سخنی از موارد خاص و جزئی مراحل گذر از طبیعت به فرهنگ در میان نیست:

در آغاز یگانگی ساده با طبیعت بود، کم‌کم رفتارهای اخلاقی و فرهنگی *sitte* در او شکل گرفت و انسان زندگی خود را در قالب این رفتارهای فرهنگی ریخت و آن را به طبیعت ثانوی *zweite nature* خود تبدیل کرد و آرام‌آرام این رفتارهای اخلاقی و فرهنگی جایگزین آن طبیعت خالص و دست‌نخورده او شد و به صورت عادت *gewohnheit* و رفتار غالب در آمد و سراسر زندگی او را در نوردید و به معنا و واقعیت وجودی زندگی‌اش بدل شد. این سرآغاز تجلی روح من حیث روح است.

Grundlinien der philosophie des rechts. 151

طبیعت تا کجا طبیعت و فرهنگ از کجا فرهنگ است؟ آیا می‌توان خط فاصل قاطعی میان طبیعت و فرهنگ ترسیم و سپس نشان داد ما از یک «پارادایم» به پارادایم دیگر گذر کرده‌ایم و نسبت و رابطه میان این دو پارادایم «قیاس‌ناپذیر» است؟ یونانیان چنین خط فاصل قاطعی میان طبیعت و فرهنگ ترسیم و انسان را «حیوان اندیشمند» تعریف کرده‌اند و باورداشته‌اند که انسانیت انسان تنها با تفکر عقلانی او قابل تعریف است. پشت این عقلانیت انسان‌محور چیزی جز حیوانیت محض نیست. آنان برای اثبات حقانیت ادعای خود میان «میتوس» و «لوگوس» تمایز قاطعی ترسیم و تلاش کردند با از میان به در کردن میتوس از مدار تفکر بشری لوگوس را به مثابه عالی‌ترین جلوه اندیشه انسانی و به عنوان برجسته‌ترین نشانه پیدایش فرهنگ در جامعه انسانی معرفی و به تقدیس آن پردازند. تدوین منطق صوری توسط ارسطو و تحلیل ساختار استدلالی آن کوچک‌ترین تردیدی باقی نگذاشت که تفکر عقلانی و نظام منطقی آن دو مؤلفه عمده‌ای است که انسان اندیشمند را از حیوان بی‌شعور

متمایز می‌کند. این ادعا در دوران روشنگری به اوج تکامل خود رسید و خردگرایی به مثابه تابناک‌ترین ویژگی نوع بشر در همه‌ی دوران‌ها برجسته و تثبیت شد. در اواخر قرن نوزدهم و سراسر قرن بیستم هسته‌ی اصلی این عقلانیت شکوهمند شکافته و زبان ملفوظ به مثابه نیروی محرکه‌ی این عقلانیت معرفی و ادعا شد بدون زبان اندیشیدن ناممکن است. به تأثیر از روش علوم طبیعی خود این زبان نیز به عناصر تشکیل دهنده‌اش تجزیه و در نهایت - همان‌طور که در بخش لوی استروس و کاسیرر خواهیم دید - به کارکرد دلالتی و معنایی فرو کاسته شد. این مسیری است که از یونان باستان تا همین امروز در اندیشه کسانی که معتقدند عقل مفهومی یگانه فصل ممیز انسان از حیوان است قابل پی‌گیری است و تا زمان ویکو سخنی از زبان تصویری و نمادین حس و خرد طبیعی و غریزی در میان نیست و نقش معرفت‌شناسی کلاسیک در کشف و معرفی و تحلیل این زبان و ذهن طبیعی در حله صفر است. در فلسفه افلاطون ادراک حسی بی‌بهراترین و نازل‌ترین مرحله معرفت و در فاصله‌ای دور و بعید با معرفت واقعی یعنی «اپیستمه» است. فلاسفه مابعد او یعنی ارسطو، تجربه‌گرایان انگلیسی، کانت و در دوران جدید پیآژه که ادراک حسی را پله مقدماتی معرفت عقلانی می‌پذیرند تلاش می‌کنند از داده‌ها و ادراک حسی مستقیماً و بی‌هیچ درنگی به تفکر عقلانی عبور کنند اما قادر نیستند پیوندگاه‌ها و حلقه‌های اتصال این دو جهان نامتجانس را کشف و در گذر از یکی به دیگری لحاظ کنند.^۱

۱. فلاسفه هیچ گاه قادر نبوده‌اند میان جهان حس و جهان عقل پیوند معقولی ایجاد کنند و ارتباط متقابل میان ایندو را دریابند. افلاطون نتوانسته است میان جهان مثل‌ها و اشیا جزئی یعنی میان جهان محسوس و جهان معقول پیوندی ایجاد کند. ارسطو تلاش او را برای ایجاد